

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکمفرمای محمد علی



آنچه تجربه‌های مربوط به انسان‌شناسی در قلمروهای گوناگون نشان داده، این است که: گسیختن انسان از اصول و قوانین تثبیت‌شده‌ای که منطق و وجدان دینی و اخلاقی و جریانات طبیعی تأیید کرده است، حیات و شئون آن را به شکل باری سنگین بر دوش انسان درمی‌آورد، به گونه‌ای که تحمل یک قضیه تابو بر یک اندیشمند آگاه، آسان‌تر از تحمل حیات بی‌اصل به یک انسان دارای عقل و روان معتدل است. این حالت جنون و مبارزه با اندیشه که در وقیح‌ترین شکل آن بر فرزندان نیمه دوم قرن بیستم حکمفرما شده، نه از آسمان افتاده است و نه از زمین روییده است. این حالت وحشتناک، تنها مولود به بازی گرفتن اصول تثبیت‌شده‌ای است که بدون آن‌ها، حیات چیزی جز جلوه غیر قابل محاسبه‌ای از ماده ناخودآگاه نخواهد بود.



کاوش‌های فقهی

محمدتقی جعفری



مؤسسه ترمینولوژی و نشر آثار علامه جعفری

Muhammad Taghi Ja'fari

کاوش‌های فقهی

نویسنده: محمد تقی جعفری

سرشناسه: جعفری تبریزی، محمد تقی، ۱۳۰۲-۱۳۷۷.
عنوان و نام پدیدآور: کاوش‌های فقهی / محمد تقی جعفری.
وضعیت ویراست: ویراست ۲.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری،
۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۳۶ ص.
شابک: ۱-۹-۹۰۶۴۲-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: چاپ دوم.

موضوع: فقه جعفری -- قرن ۱۴
شناسه افزوده: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ر ۷ ج ۵ / ۵ / ۱۸۳ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۴۲
شماره گتنا بشناسی ملی: ۳۴۰۳۳۰۴

چاپ: چاپ و طرح امروز
چاپ: دوم - زمستان ۱۳۹۲
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۱-۹-۹۰۶۴۲-۹۶۴-۹۷۸
قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

بازبینی: عبدالله نصری - علی جعفری
تنظیمات رایانه‌ای: رؤیا عزیز موسوی
طراح جلد: سعید عجمی
مشاور هنری: حسام صادقی

تهران / فلکه دوم صادقیه
بلوار کاشانی / خیابان حسن آباد
کوچه ۴ / پلاک ۲۲ / طبقه دوم

تلفن: ۰۲۱-۴۴۰۹۱۰۴۲/۴۴۰۰۵۴۵۳
نمابر: ۰۲۱ - ۴۴۰۷۰۲۰۰

کلیه حقوق نشر مکتوب
و الکترونیک برای این مؤسسه
محفوظ است.

WWW.ostad-jafari.com

Info@ostad-jafari.com

نمایه مطالب

پیشگفتار	۱۳
۱- تعبد و تعقل در فقه اسلامی	۱۵
مقدمه	۱۷
تعبد و تعقل در فقه اسلامی	۱۸
مبحث یکم- تعریف تعبد	۱۸
تعقل مبنی بر تعبد	۱۹
محوریت تعبد در قضایای تعقلی	۲۰
موضوعات و اصول پایه‌ای غیر قابل تعریف و اثبات عقلی و عملی	۲۱
مبحث دوم- تعریف تعقل	۲۲
اشتباه و ساده‌نگری در تعریف تعقل	۲۲
تعقل در تفکر اسلامی	۲۶
عقل از دیدگاه آیات	۲۷
عقل از دیدگاه روایات	۳۰
مقصود از عقل چیست؟	۳۲
آیا عقل می‌تواند در احکام اسلامی دخالت کند؟	۳۴
تقسیم‌بندی احکام اسلامی	۳۵
قسم اول از احکام اسلامی: بیان کیفیت رابطه میان انسان و آفریننده جهان	۳۵
قسم دوم از احکام اسلامی: احکام مربوط به انسان در جهان طبیعت	۳۹
۱- احکام روابط فرد با جهان طبیعت	۳۹
۲- احکام مربوط به انسان	۴۲
عدم تعارض احکام اسلامی با عقل	۴۷
۲- اصول و قواعد فقهی	۴۹
مقدمه	۵۱
احکام‌مداری زندگی دنیوی	۵۱
اصول و قواعد فقهی مبتنی بر دریافت‌های فطری، قضایای عقلی و بناهای عقلانی، و تبیین کننده کلیات تکالیف و حقوق زندگی دنیوی و اخروی	۵۶

۵۸	قسم اول - نمونه‌ای از قواعد عامه.
۶۷	قسم دوم - نمونه‌ای از قواعد خاص.
۶۷	یک - اصول و قواعد قضایی.
۶۸	دو - اصول و قواعد قصاص، حدود، دیات.
۷۰	سه - اصول و قواعد حقوقی به طور عام.
۷۴	دو نتیجه بسیار مهم.

۳ - قاعده لا ضرر و لا ضرار

۷۹	مقدمه
۸۰	دلیل یا اماره
۸۱	عمومیت مفاد دلیل
۸۱	احکام کلی
۸۱	قواعد یا اصول مُحَرَز شده
۸۲	اصل
۸۳	چند مثال از قواعد
۸۴	قاعده الزام
۸۴	قاعده تلازم میان مالکیت شیء و اقرار درباره آن
۸۵	قاعده اقرار
۸۵	قاعده ید
۸۶	قاعده علی الید
۸۶	قاعده ضمان مثلی به مثلی و قیمی به قیمی
۸۷	قاعده فراغ و تجاوز
۸۸	قاعده تلف پیش از قبض
۸۸	قاعده «لا ضرر و لا ضرار»
۹۰	قاعده «نفی حرج» و مدرک فقهی آن
۹۱	معنای حرج
۹۲	تفاوت «ضرر» با «حرج»
۹۲	نفی حرج و مرتفع شدن تکلیف
۹۲	قانون کلی در موارد تراحم حرج و ضرر
۹۳	منابع فقهی «لا ضرر و لا ضرار»
۹۳	دلالت قرآن
۹۸	دلیل عقل
۹۸	انواع ضرر به خویشتن
۹۹	دلیل سنت

۱۰۱	اجماع
۱۰۱	اقسام ضرر
۱۰۱	۱- اقسام ضرر با توجه به حقیقت آن
۱۰۲	۲- اقسام ضرر با توجه به شخص متضرر
۱۰۲	۳- اقسام ضرر با توجه به علل و انگیزه‌های آن
۱۰۲	الف - ضررهای ناشی از جریان قوانین طبیعی
۱۰۳	ب - ضررهای ناشی از خود انسان‌ها به یکدیگر
۱۰۵	ج - ضررهای ناشی از مقررات و قوانین موضوعه برای زندگی فردی یا اجتماعی
۱۰۶	د - ضررهای ناشی از تراحم حقوق

۴ - طهارت اهل کتاب..... ۱۰۹

۱۱۱	طهارت از نظر حکم اولی
۱۱۲	طهارت از نظر موضوعی
۱۱۲	مسئله طهارت اهل کتاب از نظر قرآن مجید
۱۱۴	معنای نجس (با فتح جیم)
۱۱۵	بررسی آیه: «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ...»
۱۱۷	تفسیر بعضی از آیات که دلالت بر مشرک بودن اهل کتاب می‌کند
۱۱۹	انجیل یوحنا و توحید
۱۲۰	مسئله طهارت اهل کتاب از نظر فقهاء
۱۲۱	روایات مورد استدلال درباره نجاست اهل کتاب
۱۲۴	روایات دلالت‌کننده به طهارت
۱۲۵	تأیید طهارت اهل کتاب با ادله دیگر
۱۲۶	طهارت سایر ملل اسلامی و غیر اسلامی

۵ - ذباج اهل کتاب..... ۱۳۱

۱۳۴	اجماع
۱۳۴	روایات
۱۳۷	علت وجوب نام بردن خدا به هنگام ذبح
۱۳۸	دیدگاه فقهای چهارگانه عامه

۶ - حلیت و حرمت گوشت انواع حیوانات..... ۱۳۹

۱۴۱	۱- انواع حیوانات مأکول اللحم دریایی
۱۴۳	۲- انواع پرندگان مأکول اللحم
۱۴۳	۳- انواع حیوانات مأکول اللحم خشکی
۱۴۴	۴- اصل اولی در حیوان و گوشت

۷- عدم انحصار زکات در مواد نه گانه..... ۱۴۵

مقدمه یکم - تربیت افراد برای درک قوانین اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌ها ۱۴۷

مقدمه دوم - پرداخت زکات: وظیفه اجتماعی، یا وسیله گداپروزی؟! ۱۴۹

مقدمه سوم - طرح بحث ۱۵۰

معنای لغوی و اصطلاحی زکات ۱۵۱

انفاق در قرآن ۱۵۱

لزوم پرداخت مال به نیازمندان ۱۵۲

کلمه انفاق ۱۵۳

عموم یا اطلاق آیات ۱۵۴

ریشه کن کردن فقر در سطح جهانی ۱۵۴

آیات مربوط به علت و نتیجه پرداخت‌های مالی ۱۵۶

علل و نتایج انفاق در آیات یادشده ۱۵۷

۱- پاداش الهی ۱۵۷

۲- وعده عذاب بر عدم انفاق ۱۵۷

۳- اجتناب از اختلاف اجتماعی و فردی، و پیشگیری از فقر و بینوایی ۱۵۸

توضیحی درباره آیه مبارکه: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» ۱۵۸

نتیجه انفاق، حفظ موجودیت توانگران، یا تحکیم اوضاع اجتماعی؟! ۱۶۱

مواد زکات ۱۶۴

دلایل عدم انحصار مواد نه گانه ۱۶۵

حقوق ملحق به زکات ۱۷۰

زکات فطر ۱۷۲

۸- کیفر سرقت در اسلام..... ۱۷۳

مقدمه ۱۷۵

مجازات سرقت در اسلام ۱۷۶

حد و تعزیر ۱۷۹

۱- حد ۱۷۹

۲- تعزیر ۱۸۹

شرایط تحقق سرقت و اجرای حد ۱۸۰

۱- مالیت ۱۸۰

۲- نصاب ۱۸۰

۳- نداشتن حق در مال ۱۸۱

۴- عدم شرکت در مال ۱۸۱

۵- نبودن عنوان امانت ۱۸۱

۶ - وجود حرز	۱۸۱
۷ - ربودن پنهانی	۱۸۱
۸ - مباشرت کامل	۱۸۱
۹ - نبودن عنوان فریب	۱۸۲
۱۰ - عدم عنوان ابوت	۱۸۲
۱۱ - علم به حکم و موضوع	۱۸۲
۱۲ - تحقق مادی سرقت	۱۸۲
۱۳ - بلوغ به سن قانونی	۱۸۳
۱۴ - اعتدال روانی	۱۸۳
۱۵ - اختیار	۱۸۳
۱۶ - عدم اضطرار عمومی	۱۸۴
۱۷ - حصول مالکیت بر مال مسروق از ناحیه سارق	۱۸۵
۱۸ - توبه قبل از محاکمه	۱۸۵
۱۹ - اقرار به سرقت نزد حاکم و ...	۱۸۵
۲۰ - ارباب سارق	۱۸۵
۲۱ - اثبات سرقت با دو بار اقرار صریح سارق	۱۸۶
۲۲ - اثبات سرقت مبتنی بر غیر اقرار متهم	۱۸۶
۲۳ - اجرای حد، موقوف به مطالبه مالک مال مسروق است	۱۸۶
۲۴ - بازداشتن متهم از اقرار صریح	۱۸۶
۲۵ - عروض شبهه موضوعی و حکمی	۱۸۶
۲۶ - مسائل مربوط به ارکان تشکیل دهنده و فروع سرقت	۱۸۶
نتیجه گیری	۱۸۷
تکمله	۱۸۷

۹ - حرمت سقط جنین ۱۹۱

خلاصه‌ای درباره ابتدای خلقت انسان	۱۹۳
ادله حرمت سقط جنین پس از استقرار در رحم	۱۹۶
مقتضای اصل	۱۹۹
مسئله یکم - آیا ترس از معیشت، در صورت افزایش جمعیت، مجوز سقط جنین است؟	۲۰۰
مسئله دوم - برطرف کردن موانع قانونی اختلاط زن و مرد، مانند تجویز سقط جنین	۲۰۱
تنظیم مواد معیشت و جمعیت از دیدگاه اسلام	۲۰۳
امکان تنظیم و هماهنگ ساختن مواد معیشت و جمعیت روی زمین	۲۰۴

۱۰- مسئولیت مدنی ناشی از جرم کودکان بزهکار ۲۰۷

- تاریخ توجه به مسئولیت و تأدیب کودکان ۲۰۹
- مسئولیت مدنی ناشی از جرم در مورد کودکان بزهکار در حقوق اسلامی ۲۱۲
- ۱- مسئولیت به عنوان استحقاق کیفر ناشی از تکلیف ۲۱۳
- ۲- مسئولیت به عنوان استحقاق تأدیب ۲۱۴
- مسئول بزهکاری کودکان کیست؟ ۲۱۶
- مسئولیت رئیس خانواده ۲۱۷
- مسئولیت دولت ۲۲۱
- اختیارات دولت در کیفیت پیشگیری و تأدیب کودکان در حقوق اسلامی ۲۲۶
- مسئولیت افراد مورد اعتماد جامعه ۲۲۷
- لزوم چهار سازمان برای پیشگیری و اجرای تأدیبات مناسب ۲۲۸
- الف) سازمان تربیتی ۲۲۸
- ب) سازمان بازرسی ۲۲۹
- ج) سازمان اکتشاف روانی ۲۲۹
- د) سازمان تعیین کیفیت و کمیت تأدیب و تنبیه کودکان بزهکار ۲۲۹
- ۳- مسئولیت به عنوان مشمول بودن به احکام وضعی (لزوم جبران ضرر و خسارت) ۲۲۹
- جبران ضرر و خسارت به طور مستقیم بر عهده کیست؟ ۲۳۱
- کمیت و کیفیت تنبیه کودکان بزهکار ۲۳۲
- گرایش به نظام حقوق پیرو، و مشکل تر شدن رسیدگی جامعه به حقوق کودکان ۲۳۴
- ضرورت انعقاد وجدان در نفوس کودکان ۲۳۵

۱۱- متن استفتائات ۲۳۹

- بیماری‌های علاج‌ناپذیر بر مبنای قواعد پزشکی ۲۳۹
- علل وحشت از جهان پس از مرگ ۲۴۶
- ۱- از دست دادن لذایذ ۲۴۶
- ۲- جهل به پیشامدهای پس از مرگ! ۲۴۶
- ۳- ترس از خود مرگ! ۲۴۷
- انتقال دادن نطفه مرد به رحم زن ۲۴۹
- عمل قاضی به علم خود در قضاء ۲۵۳
- ماهیت طنز در فرهنگ دینی ۲۶۱

۱۲- بحثی درباره امر به معروف و نهی از منکر ۲۸۳

- آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر ۲۸۵
- حکم بدیهی عقل سلیم به ضرورت امر به معروف و نهی از منکر ۲۸۸
- راه اثبات عمل معروف و عمل منکر ۲۹۱

نمایه مطالب ۱۱

راه‌های برانگیختن اراده و تقویت آن برای انجام شایستگی‌ها و اجتناب از ناشایستگی‌ها. ۲۹۷

۱۳- حقوق حیوانات در فقه اسلامی. ۲۹۹

نمایه آیات. ۳۰۹

نمایه روایات. ۳۱۵

نمایه نام‌ها. ۳۲۷

نمایه کتاب‌ها. ۳۳۳

هو العظیم

پیشگفتار

اثر حاضر، شامل کاوش‌های فقهی استاد جعفری است. ایشان نخست تعبد و تعقل در فقه اسلامی را از دیدگاه جدید و بدیع مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است که بر خلاف تصور عامیانه، تعبد، مبتنی بر تعقل است. وی ابتدا دو مفهوم تعبد و تعقل را تعریف نموده و می‌گوید: «هر اندیشه‌ای که با پیروی از اصول و قوانین ثابت‌شده به جریان بیفتد، تعقل نامیده می‌شود». سپس دو نوع احکام اسلامی را بیان می‌کند:

۱- احکامی که به بیان کیفیت رابطه میان انسان و آفریننده جهان هستی که خود جزئی از آن است، می‌پردازد.

۲- احکامی که مربوط به انسان در جهان طبیعت یا انسان‌های دیگر است.

ایشان با ارائه مستندات قرآنی و روایی اثبات می‌کند که هر دو نوع احکام، تعارضی با عقل ندارند و تعبد در عبادات حتماً به دلایل قاطعانه عقلی مستند است. به اعتقاد او: فقه اسلامی برای مدیریت حیات دنیوی و اخروی آدمی در مسیر به ثمر رساندن شخصیت رو به کمال او وضع شده است.

در بخش‌های بعدی این مجموعه، چند اصل و قاعده مهم فقهی که در جوامع فعلی مورد نیاز است، بررسی و تحلیل شده است: اصول و قواعد فقهی، قاعده لا ضرر و ضرار، طهارت اهل کتاب، ذبایح اهل کتاب، حلیت و حرمت گوشت انواع حیوانات، عدم انحصار زکات در مواد نه‌گانه، حرمت سقط جنین، کیفر سرقت، مسئولیت مدنی ناشی از جرم کودکان بزهکار، امر به معروف و نهی از منکر، و در پایان، حقوق حیوانات در اسلام، از جمله موضوعات مهمی هستند که از دیدگاه ایشان ارائه شده است.

این مجموعه نشان می‌دهد که چگونه می‌توان جهان‌بینی قرآن کریم را که همان

گزاره‌های هستی‌شناسانه است، در قواعد حقوقی و فقهی که همان گزاره‌های هستی است، در نظر گرفت. چه، بیش‌تر آیات قرآن، مربوط به آیات جهان‌بینی و درصد کمی از آن، مربوط به آیات حقوقی و فقهی است. محمدتقی جعفری با گستره ذهنی و مطالعات وسیع و دقت نظر خود، توانسته است حقوق و فقه اسلامی را از عینک جهان‌بینی و جهان‌نگری قرآن ارائه کند و استفتائات و پاسخ‌های ایشان، این روش بدیع و اسلامی ایشان را نشان می‌دهد.

موسس ترویج و نشر آثار علامه حلی

۱

تعبد و تعقل در فقه اسلامی



مقدمه

تعبد و تعقل در ذهن مردم معمولی و کسانی که با مقداری محدود و سطحی از معارف دینی آشنایی دارند، معنایی عامیانه و مخلوط با مفاهیم ساختگی دارد. مردم معمولی و سطحی‌نگران چنین می‌پندارند که تعبد یعنی گفتار، کردار یا عقیده‌هایی که به هیچ علت و دلیلی مستند نیست، به این معنی که باید قضیه تعبدی را به جای آورد و به عقیده تعبدی باید معتقد شد، تنها از آن جهت که از شخص یا مقامی صادر شده است که باید به دستور او عمل نمود!

همین مردم بی‌اطلاع، درباره تفسیر تعقل نیز به اشتباهی سخت دچار می‌شوند و گمان می‌کنند قضیه تعقل عبارت است از قضیه‌ای که از همه جهات قابل درک و فهم و اندیشه باشد! آنان با این دو تفسیر و توجیه عامیانه درباره تعبد و تعقل، خود را از روشنائی‌های معرفت و «حیات معقول» بی‌بهره می‌سازند، سپس ساده‌لوحان جامعه را هم گمراه می‌کنند. ما برای توضیح معنای دو حقیقت مزبور و رفع اشتباه و انحراف ذهنی این‌گونه مردم، مباحثی را مطرح می‌نماییم.

تعبد و تعقل در فقه اسلامی

مبحث یکم- تعریف تعبد

معنای حقیقی تعبد عبارت است از: هر گونه حرکات عضلانی، گفتار زبانی، حالات و یا کیفیت‌های ثابت روانی در عقاید، که خود، محصول استدلال و تعقل است. همچنین، هر گونه ترک و خودداری، به انگیزگی احساس لزوم وابستگی به خداوند و معبود مطلق که از هر عبادتی بی‌نیاز بوده، فراتر از هر نوع سود و زیان است.

اگر در این تعریف، بیش‌تر دقت کنیم، خواهیم دید مبنای اصلی تعبد بر روشن‌ترین و ضروری‌ترین حقیقت معقول استوار شده است که با یک تعقل سالم قابل درک است. آن حقیقت با توجه به دو قضیه بدیهی آشکار می‌شود:

قضیه یکم - همه انسان‌ها با داشتن مغز و روان معتدل، اشتیاق جدی به کمال دارند و تا زمانی که اختلال و انحرافی در فعالیت‌های مغزی و روانی آن‌ها به وجود نیامده باشد، این اشتیاق فطری، به وجود و تحریک خود ادامه می‌دهد. یک توجه آگاهانه به تاریخ سرگذشت بشری، خواه فردی و خواه جمعی، به خوبی اثبات می‌کند که همین اشتیاق جدی بوده که انسان‌ها را برای نیل به انواع بی‌شماری از عظمت‌های مادی و معنوی موفق ساخته است.

قضیه دوم - هدف اعلای حیات، به ثمر رساندن شخصیت انسانی در مسیر حرکت تکاملی است، و این هدف، بدون قرار گرفتن در جاذبیت کمال مطلق قابل وصول نیست. با توجه و با پذیرش این دو قضیه می‌توان گفت: تعبد یعنی بجا آوردن مقداری حرکات عضلانی و گفتار زبانی، و به دست آوردن حالت‌ها یا کیفیت‌های ثابت روانی که مستند به معبود مطلق است. این عمل، مطابق عقلانی‌ترین حقایقی است که در میان

حقیقت‌های معقول وجود دارد، زیرا بدیهی است که دریافت مفهومی از خداوند بدون حرکت تکاملی به پیشگاه مقدس او که اشتیاقش در ذات انسان‌ها به طور جدی وجود دارد، نه کمالی را نتیجه می‌دهد و نه توفیق وصول و هدف را برای کسی امکان‌پذیر می‌سازد. اگر منظور از تعبد، انجام دادن امور بدون دلیل بوده باشد، چگونه با آن همه آیات و منابع حدیثی و فرهنگ مستند به آن دو و عقل سلیم و احساسات برین که دستور اکید به تعقل می‌دهند، سازگار بوده و تضادی نداشته است؟ آیا این تضاد و ناسازگاری، برای هزاران دانشمند، حکیم و صاحب‌نظر در معارف در طول این همه قرون و اعصار مخفی مانده است و تنها چند نفر در دوران ما با اطلاعات محدود متوجه آن شده‌اند؟

تعقل مبنی بر تعبد

در این جا، یک قضیه مهم در اختیار داریم و آن این است که: عمل بر طبق عقلانی‌ترین احکام و تکالیف نیز مشمول تعریف تعبد است.

با توجه به دو قضیه‌ای که مطرح کردیم، خواهیم دید عمل بر طبق عقلانی‌ترین احکام و تکالیف نیز که از مستقلات عقلیه می‌باشند، مشمول تعریف تعبد یا مبتنی بر تعبد است. به عنوان مثال، احکام و تکالیف زیر را در نظر می‌گیریم:

- ۱- عدالت ورزیدن واجب است.
- ۲- عمل به تعهد واجب است.
- ۳- تلاش برای تحصیل علم - که برای حیات مادی و معنوی ضرورت دارد - واجب است.
- ۴- تکاپو در مسیر نظم و اصلاح حیات فرد و جامعه دارای وجوب است.
- ۵- انواع مجاهدت‌ها برای تحقق بخشیدن به تعلیم و تربیت‌های سازنده و آرمان آن‌ها واجب است.
- ۶- دفاع از مظلوم و دفع ظالم واجب است.
- هم‌چنین، در ممنوعیت قضایای متضاد با قضایای بالا، موارد زیر را در نظر می‌گیریم:
- ۷- ظلم کردن ممنوع (حرام) است.

- ۸- تخلف از تعهدها ممنوع (حرام) است.
 - ۹- ترک علم ضروری برای حیات مادی و معنوی، ممنوع (حرام) است.
 - ۱۰- بی‌اعتنایی به مسائل و آرمان‌های تعلیم و تربیت که موجب حاکمیت جهل و تباهی می‌شود، ممنوع (حرام) است.
 - ۱۱- عدم دفاع از مظلوم و سکوت یا تأیید ظالم، ممنوع (حرام) است.
 - ۱۲- عدم اهتمام به نظم و صلاح جامعه، ممنوع (حرام) است.
- با این که بر اساس قواعد علم اصول، ترک هر واجبی حرام و ممنوع است، تذکر مجدد به حرمت و ممنوعیت ارتکاب ضد موضوعات آن واجبات، بنا به اهتمام بسیار شدید و تصریح فراوان به حرمت و ممنوعیت ترک آن‌هاست و یا بنا به ارتکاب اضرار موضوعات آن‌ها می‌باشد. اکنون به این نکته می‌پردازیم که همه قضایای مذکور، مشمول تعریف تعبد یا مبتنی بر تعبد است:

محوریت تعبد در قضایای تعقلی

برای اثبات این مدعا، باید به این حقیقت توجه کنیم که: اگر انگیزه اشتیاق به کمال و احساس لزوم وابستگی به خداوند معبود مطلق وجود نداشت، ما در برابر هجوم جریان تنازع در بقاء و لذت‌جویی و خودخواهی، هیچ دلیل عقلانی برای انجام دادن احکام و تکالیف یادشده نداشتیم، مگر عوامل جبری برای ادامه زندگی، مانند دست برداشتن از یک گوسفند و رها کردن آن برای یک گرگ درنده که آن را بخورد، ولی صاحب گوسفند را ندرد! این که گفته می‌شود: «قانون مانند تار عنکبوت است که تنها مگس‌ها را می‌گیرد، ولی کاری با گرگ‌ها ندارد»، بازگوکننده یک اصل جاری در تاریخ طبیعی بشر است. ما اگر بخواهیم همه عظمت‌ها و فضایی را که از ناحیه کاروان انسان‌های وارسته در انجام این تکالیف مشاهده می‌کنیم، نادیده بگیریم و آن همه وارستگی‌ها و برازندگی‌ها را به خودخواهی و سودپرستی آنان حمل نماییم، بدون تردید، به انسانیت و فرهنگ سازنده آن تیر خلاص زده‌ایم!! این، همان تبه‌کاری نابخشودنی است که بی‌شرمانه‌تر و وقیح‌تر از کشتارها و ویرانگری‌های جلادان خون‌آشامی مانند «چنگیز»ها و «نرون»ها در تاریخ است.

آری، قضایای علمی، حتی یقینی‌ترین آن‌ها، مبتنی بر موضوعات یا اصول پایه‌ای غیر قابل تعریف و غیر

قابل اثبات عقلانی است.

توضیح - کلمه «علم» نیز مانند دیگر کلمات بسیار مهم، مانند: «سیاست»، «آزادی»، «عدالت»، «هنر»، «حق و باطل» و ... همواره در توفان‌های خیره‌کننده تخیلات، بازیگری‌های متنوع، غرض‌ورزی‌ها، کوتاه‌فکری‌ها و گزافه‌گویی‌ها، عملاً مبهم و تاریک مانده است. البته این ابهام و تاریکی، تنها گریبان ساده‌لوحان بی‌اطلاع و خوش‌باوران را می‌گیرد، نه گریبان صاحب‌نظران آگاه و ژرف‌نگر را.

به هر حال، برای یک قضیه علمی، دو معنا را می‌توان در نظر گرفت:

یکم - انکشاف واقع به‌طور صد در صد؛ همان‌گونه که شکل، رنگ، خط و هر گونه نمود در آئینه روشن منعکس می‌شود. این معنای حقیقی علم است که نهایت آرزوی متفکران و صاحب‌نظران واقع‌جو می‌باشد. بدیهی است که این قسم از قضایای علمی، بسیار محدود بوده و از دیدگاه ارائه واقعیات، مقوله‌ای نسبی است.

دوم - هر قضیه‌ای که به عنوان ارتباط عامل درک با جهان بیرونی به طور مستقیم با وسایل و ابزار طبیعی، مانند حواس، نیروهای ذهنی، آزمایشگاه‌ها و ابزاری که برای گسترش و عمیق ساختن معلومان با جهان خارجی، مطرح می‌شود.

بدیهی است که این معنی برای علم، بسیار وسیع‌تر از معنای اول است، زیرا این معنی شامل احتمالات بسیار متفاوت، یعنی از یک تا نود و نه درصد درباره ارتباط با واقعیات است که همه فرضیه‌ها، تئوری‌ها و قضایای مشروط را در بر می‌گیرد، چون این قضایا می‌توانند در خدمت فعالیت‌های علمی و قضایای پیرامون آن‌ها قرار بگیرند، و نمی‌توانند قضایای علمی به معنای یکم محسوب شوند. نام‌گذاری این‌گونه قضایا به عنوان مسائل علمی، اگر بدون ارزیابی کمیت و کیفیت تطابق آن‌ها با واقعیات انجام بگیرد، علاوه بر این که از ارزش واقعی خود ساقط می‌شود و هیچ اطمینانی برای تشخیص قضایای علمی از غیر علمی نمی‌ماند، بلکه خیانتی بزرگ بر انسانیت و انسان‌های مشتاق به معرفت و علم به شمار می‌رود.

موضوعات و اصول پایه‌ای غیر قابل تعریف و اثبات عقلی و عملی

اینک، به مقداری از موضوعات و اصول پایه‌ای می‌پردازیم که قابل تعریف و قابل

اثبات عقلی و علمی نیستند: